



Analysis of Opinions Based on Compensation in the Light of International Environmental Law

Abbas Poorhashemi
Faculty member and President of the Canadian Institute of International Law

Sobhan Tayebi
PhD in International Environmental Law and Lecturer
University of Science and Research (Corresponding Author)

واکاوی آراء مبتنی بر جبران خسارت در پروتو حقوق بین الملل محیط زیست

عباس پورهایمی
عضو هیات علمی و رئیس مؤسسه تخصصی حقوق بین الملل کانادا
president@cifile.org
<http://orcid.org/0000-0002-4107-2938>

سبحان طیبی
دکتری حقوق بین الملل محیط زیست و مدرس دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)
sobhantayebi@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-2668-8574>

Abstract

Resolving environmental disputes is an emerging issue in the international arena. International law has increasingly incorporated environmental protection as an objective, and international courts and arbitral tribunals must address environmental disputes. This Comment discusses two recent decisions: Compensation owed by Nicaragua to Costa Rica and Burlington Resources—cases decided at the International Court of Justice (ICJ) and the International Center for Settlement of Investment Disputes (ICSID), respectively. The goal is to illustrate how international courts and arbitration tribunals have decided cases involving environmental disputes and ordered reparations for environmental harm. The finding of this study is that compensation as a latent axis of responsibility has a significant role in controlling environmental hazards. However, by examining the content of two environmental votes from two different dispute resolution authorities while explaining the basic frameworks of work, this study emphasizes the importance of environmental protection. This analysis shows, in fact, the path of evolution and development of international environmental law.

Keywords: International Court of Justice, ICSID, Compensation, Environmental Dispute Resolution, Liability.

چکیده

حل و فصل اختلافات محیط زیستی مسئله‌ای نوظهور در عرصه بین المللی است. حقوق بین الملل به طور فزاینده‌ای حفاظت از محیط زیست را به عنوان یک هدف بسیار مهم در نظر گرفته و در این خصوص محاکم و دیوان‌های بین المللی اعم از دادگستری و داوری باید به اختلافات زیست محیطی بپردازند. این پژوهش به دو پرونده جبران خسارت فی مابین نیکاراگوئه و کاستاریکا مطرح در دیوان بین المللی دادگستری و پرونده منابع طبیعی بورلینگتون علیه دولت اکوادور مطرح در مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ایکسید) که نسبت به هر دو آن‌ها اتخاذ تصمیم گردیده، می پردازد. هدف این پژوهش این است که بررسی نماید چگونه محاکم و دیوان‌های بین المللی اعم از دادگستری و داوری تصمیم به ورود به پرونده‌های مربوط به اختلافات زیست محیطی و تصمیم به جبران خسارت‌های زیست محیطی می گیرند. یافته مدنظر در این پژوهش آن است که جبران خسارت به عنوان محور نهفته مسئولیت نقش بسیار مهمی در مهار مخاطرات محیط زیستی دارد. با این توصیف این پژوهش با بررسی محتوایی دو رای محیط زیستی از دو مرجع مختلف حل اختلاف، ضمن تبیین چهارچوب‌های اصولی کار، بر اهمیت مسئله حفاظت از محیط زیست تأکید دارد. این واکاوی در واقع مسیر تحول و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: دیوان بین المللی دادگستری، دیوان داوری ایکسید، جبران خسارت، حل و فصل اختلافات محیط زیستی، مسئولیت.

ارجاع:

پورهاشمی، عباس؛ طیبی، سبحان؛ (۱۴۰۱)، واکاوی آراء مبتنی بر جریان خسارت در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در دوم فوریه ۲۰۱۸ دیوان بین‌المللی دادگستری برای اولین بار و با صدور حکم، زمینه تعیین میزان و جبران خسارت برای آسیب‌های محیط زیستی را فراهم ساخت^۱ (Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2018, 41). دیوان قبلاً تعهدات تشریفاتی و اساسی مربوط به حفاظت از محیط زیست را به رسمیت می‌شناخت، اما هرگز پیش از این جبران خسارت را به عنوان درمانی برای نقض حقوق

۱- دولت کاستاریکا در تاریخ هجدهم نوامبر ۲۰۱۰ با طرح دعوا علیه نیکاراگوئه ادعا کرد، نیکاراگوئه با اشغال بخشی از قلمرو سرزمینی آن کشور حق بر حاکمیت آن را نقض کرده است. پس از گذشت مراحل رسیدگی و برگزاری جلسات استماع، دیوان بین‌المللی دادگستری در شانزدهم دسامبر ۲۰۱۶ نهایتاً حکم صادر کرد که خواننده دعوا (نیکاراگوئه) حق بر حاکمیت کاستاریکا را نقض کرده است. متعاقب حکم دیوان بین‌المللی دادگستری، کاستاریکا ضمن ارسال نامه‌ای در ۲۰۱۷ از دیوان درخواست کرد تا ضمن صدور حکمی میزان خسارات وارده را معین سازد. دیوان بین‌المللی دادگستری در اجابت این درخواست کاستاریکا، در دوم فوریه ۲۰۱۸ ضمن صدور حکمی با تعیین میزان خسارات وارد بر دولت کاستاریکا، دولت نیکاراگوئه را ملزم به پرداخت ۳۵۸،۷۴۰،۵۵ دلار آمریکا خسارت به همراه ۲۰،۱۵۰،۰۴ دلار آمریکا خسارت تأخیر تادیه (pre-judgment interest) کرد. نکته جالب توجه در تصمیم دوم فوریه ۲۰۱۸ دیوان آن است که خسارات وارد بر محیط زیست طبق حقوق بین‌الملل کاملاً قابل جبران خسارت است؛ بنابراین دیوان به منظور تعیین میزان خسارات وارده به این امر توجه می‌کند که مبلغ جبران خسارت، میزان خسارات را پوشش دهد و برای دولت زیان دیده این امکان را فراهم آورد که وضع فعلی را به حالت سابق اعاده نماید. (ICJ, 2108, 1-8) و به نقل از سایت اطلاع‌رسانی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری.

بین‌الملل محیط زیست در نظر نگرفته بود. در پرونده جبران خسارت فی مابین نیکاراگوئه و کاستاریکا، دیوان از طریق چهارچوب مسئولیت دولت‌ها به آسیب‌های محیط زیستی پرداخت و بر جبران خسارت فوری متمرکز شد. این تصمیم از پرداختن به نگرانی‌های مربوط به احیای محیط زیست، جلوگیری از آسیب‌های محیط زیستی در آینده و سایر روش‌های قابل استفاده علاوه بر جبران خسارت، جلوگیری کرد. با این وجود و صرف‌نظر از تعاریف موجود در خسارات محیط زیستی، روش‌های جبران خسارت برای تحقق عدالت محیط زیستی حائز اهمیت است (Khalatbari & Poorhashemi, 2019, 79).

پرونده منابع طبیعی بوریلینگتون^۲ علیه دولت اکوادور (۲۰۰۸-۲۰۱۷)، مربوط به اختلاف سرمایه‌گذاری بین‌المللی و اعمال حقوق محیط زیست داخلی در خصوص رفتار سرمایه‌گذاران خارجی است (Burlington Resources Inc. v. Republic of Ecuador, 2017, A8). این اختلاف ناشی از دو قرارداد مشترک در تولید، اکتشاف و بهره‌برداری ذخایر نفتی در منطقه آمازون طی دو قرارداد بلوک ۲۱ سال ۱۹۹۹ و بلوک ۷ سال ۲۰۰۰ بوده است. در واقع بنا بر این بوده بهره‌برداری بدون دست‌اندازی به ذخایر زیربنایی نفت خام بوده صورت پذیرد. دولت اکوادور در ادعای خود اظهار داشت که این سرمایه‌گذاری مسئول ایجاد خسارت به محیط زیست است. در این راستا و با توجه به شرایط این پرونده، دیوان به نوعی و بنا بر اجبار برای حل و فصل اختلاف، قوانین داخلی را اعمال می‌کند (Burlington Resources Inc. v. Republic of Ecuador, 2012, 509).

این مسئله قابل توجهی است زیرا قانون اساسی اکوادور^۳ شامل اصول حفاظت از محیط زیست است و قوانین داخلی اکوادور مسئولیت جدی در مورد خسارت‌های محیط زیستی را تعیین می‌کند. با این وجود، دیوان به این دلیل که سرمایه‌گذار یکی از ایجادکنندگان متعدد مسئول خسارت بود، محدوده بازپرداخت را محدود کرد. هرچه نگرانی‌های محیط زیستی به طور فزاینده‌ای رواج پیدا می‌کند، نهادهای بین‌المللی حل اختلاف باید نه تنها حقوق و تعهداتی را که از حقوق محیط زیست پیروی می‌کنند، بلکه چگونگی اصلاح صحیح نقض این تعهدات را نیز تعیین کنند.

در بخش اول؛ این نظر در مورد منابع حقوقی مورد بررسی در دیوان بین‌المللی دادگستری و ایکسید

2- Burlington Resources Inc

۳- کشور اکوادور ساختارهای محکمی برای حفاظت از محیط زیست در نظر گرفته است. در این راستا هفتم جولای ۲۰۲۱ دیوان قانون اساسی جمهوری اکوادور معیارهای سلب مالکیت را تعیین کرد. مالکیت خصوصی باید با رعایت پارامترهای مسئولیت اجتماعی و محیط زیستی اعمال شود (Corte Constitucional, 2021, 1-12).

برای توجیه هر تصمیم و تعیین قوانین مربوط به مسئولیت آسیب‌های محیط زیستی مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به موارد مطروحه، این نظرات نشان می‌دهد که مراجع بین‌المللی حل اختلاف ممکن است الزامات حفظ محیط زیست را هم در قوانین بین‌المللی و هم در قوانین داخلی پیدا کنند. در نتیجه، تعریف آسیب‌های محیط زیستی و تعیین رژیم مسئولیت بسته به منبع اصلی قانون قابل اجرا در پرونده، متفاوت خواهد بود. بخش دوم؛ در مورد چگونگی تعیین این روند توسط دیوان بین‌المللی دادگستری و اکسید در خصوص جبران خسارت‌های محیط زیستی است. در هر دو مورد، جبران خسارت واقعی، اصلی‌ترین راه‌حل برای مهار مخاطرات محیط زیستی بود. با این وجود، این تصور که آسیب‌های محیط زیستی با جبران خسارت باید اصلاح شود بحث برانگیز است. در آراء جداگانه قضات دیوان بین‌المللی دادگستری استدلال‌های اصلی را علیه این عقیده کلی ارائه می‌دهند که جبران خسارت ناشی از آن، رضایت بخش است. آن‌ها استدلال می‌کنند که آسیب محیط زیستی ممکن است دشوار یا غیرممکن باشد. بنابراین جبران خسارت باید اثرات طولانی مدت اقدامات غیرقانونی را در بر داشته و انگیزه‌هایی برای حفاظت از محیط زیست فراهم آورد (Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2018, 47).

این دو تصمیم، حاکی از آن است که نظم حقوقی بین‌المللی تعهدات رویه‌ای و اساسی را به دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تحمیل می‌کند تا به محیط زیست یا تنوع زیستی آسیب نرسانند. با این حال، چالش‌های دیگر باقی مانده است. نهادهای بین‌المللی حل اختلاف به نظر بایستی در جهت تدقیق و بررسی چالشی موضوع این پرسش‌ها را مدنظر قرار دهد؛ آیا جبران خسارت برای رفع آسیب‌های محیط زیستی کافی است یا خیر؟ (و) چه کسی پیگیر است تا مطالبات را در هنگام آسیب به منابع مشترک یا هنگامی که مسئولیت آسیب‌ها را منتشر می‌کنند؟

تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد کاستاریکا گامی به جلو برای حفاظت از محیط زیست تلقی می‌شود، زیرا دیوان در این رای تصدیق کرد که آسیب‌های محیط زیستی فرامرزی تخطی از حقوق بین‌الملل است و مستلزم جبران خسارت می‌باشد. با این وجود، دیوان هنوز هم باید در مورد نقش شواهد علمی در ارزیابی میزان آسیب به محیط زیست و دامنه جبران خسارات، به دقت موضوع را بررسی کند. دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توانست فراتر از جبران خسارت، اهمیت بیشتری به اصل احتیاط بدهد و با اعمال تعهداتی برای جلوگیری از آسیب‌های محیط زیستی، رویکردی آینده‌نگرانه اتخاذ کند. ایکسید به نوبه خود بسیار فنی بود و اگرچه تصمیمات آن باید مبتنی بر رژیم داخلی باشد، فقط شرکت را موظف

می‌کرد که در حفظ وضع موجود^۴ بکوشد و نه این که محیط را کاملاً به وضع قبل برگرداند. با توجه به عدم قطعیت‌های علمی در مورد حفظ محیط زیست و تنوع زیستی، دادخواهی و داوری در آینده باید نگرانی‌های مطرح شده در هر دو تصمیم را مدنظر قرار داده و توسعه دهد. به هر ترتیب در مورد دامنه تعهدات حقوق بین‌الملل محیط زیست و راه‌حل‌های موجود هنوز جای بحث وجود دارد.

۱- آسیب‌های محیط زیستی و رژیم مسئولیت همراه با خسارت

در پرونده‌های کاستاریکا و بورلینگتون، حقوق بین‌الملل دو نقش متفاوت را ایفا کرد. در پرونده کاستاریکا، دیوان بین‌المللی دادگستری به منابع حقوق بین‌الملل که در ماده ۳۸ اساسنامه اعم از معاهدات، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوق آمده، پرداخته است.^۵ در مورد بورلینگتون، صلاحیت ایکسید به حقوقی که مورد توافق طرفین یا قانون کشور میزبان و توافقنامه بین‌المللی است، محدود می‌شود (Convention on the Settlement of Investment Disputes Between States and Nationals of Other States, 1966, 74).

از این رو، چهارچوب قانونی برای هر دو مورد متفاوت است. دیوان بین‌المللی دادگستری، جبران خسارت توسط زیان زنده یعنی نیکاراگوئه به کاستاریکا را در زمینه اختلافات ارضی گسترده‌تر اعلام کرد. دولت‌ها در مورد حاکمیت مربوطه خود در یک منطقه مجاور که هر دو پروژه‌های زیربنایی را توسعه داده بودند، مشاجره می‌کردند. کاستاریکا جاده‌ای را در کنار رودخانه سان خوان ساخته بود که دو کشور را تقسیم می‌کند و نیکاراگوئه کانال‌هایی مصنوعی را در منطقه‌ای که کاستاریکا به عنوان بخشی از قلمرو خود ادعا کرده بود، حفاری کرده بود (Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2015, 65-66). دیوان مجبور به رسیدگی به ادعاهای حاکمیت متقابل و همچنین اختلافات در مورد آسیب‌های محیط زیستی هر دو کشور شد. دیوان همچنین باید تصمیم می‌گرفت که آیا طرفین طبق حقوق بین‌الملل محیط زیست، تعهدات تشریفاتی و اساسی خود را نقض کرده‌اند یا خیر؟ با توجه به تعهدات رویه‌ای، دیوان بین‌المللی دادگستری در نقش دادرس در این خصوص پیش از این تصمیم گرفته بود که کشورها باید ارزیابی اثرات محیط زیستی را انجام دهند و موظفند قبل از انجام هرگونه فعالیتی که خطر قابل توجهی در ایجاد خسارت فرامرزی داشته باشد، مشورت و به کشورهای همسایه اطلاع دهند ((Arg. v. Uru, 2010, 101).

4- status quo ante

5- Costa Rica v. Nicar, Compensation owed by the Republic of Nicaragua to the Republic of Costa Rica

در این مورد خاص، دیوان این مسئله را مدنظر داشت که کاستاریکا با عدم انجام ارزیابی اثرات محیط زیستی قبل از ساخت جاده در امتداد مرز، قوانین بین‌المللی را نقض کرده است و این در حالی بود که برنامه لایروبی نیکاراگوئه خطر قابل توجهی از خسارت به همراه نداشته است. در مورد تعهدات اساسی طرفین، دیوان شواهد علمی را که طرفین هنگام ارزیابی آسیب مادی ارائه کرده‌اند در نظر گرفت. دیوان نتیجه گرفت که فعالیت‌های کاستاریکا به محیط زیست نیکاراگوئه آسیب نرسانده و نیکاراگوئه با لایروبی کانال در قلمرو کاستاریکا، به کاستاریکا آسیب رسانیده است.

با اشغال و انجام برخی فعالیت‌ها در مرزهای کاستاریکا، نیکاراگوئه به محیط زیست تالاب بین‌المللی که توسط کنوانسیون رامسر محافظت می‌شود آسیب رسانده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در تعیین این که آیا هر یک از کشورها تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده‌اند، قواعد، معاهده و حقوق بین‌الملل عرفی و همچنین سوابق خود را تحلیل کرده است. پس از نتیجه‌گیری‌های خود در مورد کارخانه تولید خمیر (آرژانتین علیه اروگوئه)^۶، دیوان بین‌المللی دادگستری مجدداً تأیید کرد که کشورها باید ارزیابی‌های مربوط به اثرات محیط زیستی را انجام دهند، مشورت کنند و به کشورهای همسایه اطلاع دهند که رفتار آن‌ها به صورت بالقوه باعث ایجاد خسارت فرامرزی می‌شود. علاوه بر این، اگر یک کشور باعث آسیب‌های محیط زیستی به دیگری شود، موظف است صدمات وارده را جبران نماید (Hagihara & Asahi, 2016, 56). در مقابل، در پرونده بورلینگتون و با توجه به ادعای ضد محیط زیستی اکوادور، دیوان داوری ایکسید تعیین کرد که قانون کشور میزبان در مورد این پرونده صدق می‌کند و حقوق بین‌الملل کاربرد ثانویه دارد.

اختلاف محیط زیستی یکی از چندین مسئله است که از قراردادهای اشتراکی تولید^۷ بین اکوادور و منابع بورلینگتون به وجود آمده است. بر اساس شرایط پیمان دوجانه بین اکوادور و ایالات متحده آمریکا، بورلینگتون اقدامات داوری را آغاز کرد و ادعا کرد اکوادور مزارع نفتی خود را به خطر انداخته است. اکوادور در دور دوم پاسخ به ادعاهای معارض اظهار داشت که بورلینگتون به محیط زیست خسارت وارد کرده است و به تبع آن شرکت نیز باید پاسخگو باشد (Gildemeister & Arno, 2014, 317). بر اساس نظر دیوان، طرفین هیچ رژیم حقوقی را که در مورد شبه جرم‌ها اعمال شود، مشخص نکردند.

6- Pulp Mills case

7- Production Sharing Contracts (PSCs)

در نتیجه، دیوان از ماده ۴۲ (۱) کنوانسیون ایکسید پیروی می‌کند که تصریح می‌دارد؛ در صورت عدم توافق در مورد قانون قابل اجرا، «دیوان باید قانون دولت متعاقد طرف دعوا را اعمال کند... و قوانینی مانند حقوق بین‌الملل که ممکن است قابل اجرا باشد را در نظر بگیرد.» از آن جا که قانون اکوادور حاوی قوانینی در مورد حفاظت از محیط زیست و مسئولیت آسیب رساندن به محیط زیست است که هم در قانون اساسی و هم در اساسنامه وجود دارد، دیوان بیشتر برای ارزیابی خسارت و چاره جویی احتمالی، متکی بر قانون اکوادور بود. در حالی که قانون اساسی ۱۹۷۸ و ۱۹۹۸ اکوادور شامل مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست و قانون اساسی ۲۰۰۸ نیز همانند رژیم‌های قبلی بود. این قانون حقوقی را به طبیعت اعطاء می‌کند که از آن به عنوان پاچاماما^۸ یاد می‌شود و توسعه پایدار و توزیع مجدد منابع را ترویج می‌کند.

قانون اساسی، بیشتر الزامات مربوط به مدیریت بخش‌های استراتژیک اقتصاد را بیان می‌کند تا به «پایداری محیط زیست، احتیاط و کارآیی» و جاهتی داده شود و حکم‌هایی را صادر می‌کند که ادعاهای محیط زیستی غیرقابل توصیفی هستند. علاوه بر این، قانون اساسی ۲۰۰۸ رژیم با مسئولیت جدی را تعیین می‌کند. آئین دادرسی اکوادور طبق قانون اساسی قبلی از مسئولیت جدی در مورد خسارت‌های محیط زیستی بر اساس تئوری خطر حمایت می‌کند. در این راستا تصمیم دادگاه در پرونده بورلینگتون ارائه و بیان گردیده که با توجه به رژیم با مسئولیت جدی، این شرکت فقط در صورت اثبات این که این صدمات توسط اشخاص ثالث یا توسط خود دولت ایجاد شده است، می‌تواند از مسئولیت خسارت‌های محیط زیستی خودداری کند. این به نوبه خود تعیین می‌کند که آیا این کشور مجبور است اکوسیستم محافظت شده را به شرایط قبل بازگرداند یا فقط می‌تواند خسارات ناشی از دوره اعطای امتیاز را ترمیم کند. دیوان به این نتیجه رسید که طبق قانون اکوادور، این شرکت در قبال خسارات وارده قبل یا بعد از فعالیت‌های خود مسئولیتی ندارد و وظیفه‌ای برای بازگرداندن کامل محیط به شرایط قبل از آن را نیز ندارد. پرونده‌های کاستاریکا و بورلینگتون نشان می‌دهد که چگونه تعریف رژیم‌های مربوط به آسیب‌های محیط زیستی و مسئولیت ممکن است در موارد حل اختلاف بین‌المللی متفاوت باشد.

بحث دیگر در مورد دعوی متقابل علیه سرمایه‌گذاران یکی از ویژگی‌های بارز در بحث کنونی اصلاح قانون سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. دلیل آن این است که ادعاهای متقابل می‌تواند تا حدی عدم تقارن در داوری سرمایه‌گذاری را کاهش دهد، زیرا یک دولت می‌تواند در همان رویه‌ها، تعهدات اجتماعی و محیط

زیستی را علیه سرمایه گذار اجرا کند. در قضیه بورلینگتون، اکوادور با ادعای متقابل ادعا کرد که فعالیت‌های شرکت‌ها منجر به آسیب‌های محیط زیستی قابل توجهی شده و این در حالی است که تصمیمی مبنی بر مسئولیت‌پذیری سرمایه گذار دقیقاً اتخاذ نگردیده است. بنابراین پرونده بورلینگتون نیز اهمیت دارد زیرا دیوان رفتار سرمایه گذار را از طریق ادعای متقابل، پاسخگویانه در نظر گرفته است. حتی اگر تعهدات سرمایه گذار عمدتاً در حقوق داخلی وجود داشته باشد، پرونده بورلینگتون ممکن است در آینده برای اجرای تعهدات سرمایه گذاران از طریق دادرسی بین‌المللی مفید باشد. این پرونده نشان دهنده تمایل دادگاه‌ها برای مشارکت اساسی در تعهدات اصلاح قوانین ملی محیط زیست است.

در پرتو الزام مسئولیت شدید در برابر آسیب‌های محیط زیستی در پرتو قوانین داخلی، مطابق قانون اساسی اکوادور ۲۰۰۸، یک رژیم مسئولیت سختگیرانه برای آسیب‌های محیط زیستی مشاهده گردید که تحت آن اپراتور وظیفه اثبات عدم وجود آسیب و مسئول آسیب‌هایی که ایجاد کرده می‌باشد و این نشان از آن دارد که ادعاهای محیط زیستی غیرقابل توصیف است. به گفته دیوان، نبود شرط تقصیر به این معنی است که بورلینگتون نمی‌تواند از مسئولیت خود با احراز این که با پشتکار عمل کرده است، اجتناب کند.

با توجه به رژیم مسئولیت سختگیرانه بر اساس دیدگاه‌های متفاوت طرفین در مورد رژیم مسئولیت برای عملیات هیدروکربن‌ها، استدلال گردید که قانون مبتنی بر نظریه خطا است و بر این اساس اکوادور باید ثابت کند که آسیب‌های محیط زیستی رخ داده است. دیوان این موضع را غیرقابل دفاع دانست و در عوض، مطابق با استدلال‌های اکوادور تصمیم گرفت که در پی یک سری تحولات قضایی از طریق دادگاه عالی اکوادور، مسئولیت سختگیرانه آسیب‌های محیط زیستی اپراتورهای هیدروکربوری را حداکثر از سال ۲۰۰۲ کنترل نماید. طرفین توافق کردند که ادعای خسارت ناشی از قانون اساسی ۲۰۰۸ غیرقابل توصیف است. با این حال، بورلینگتون استدلال کرد که اکثر ادعاهای متقابل اکوادور پس از قطعنامه ۲۰۰۲ و قبل از قانون اساسی ۲۰۰۸ به رسمیت شناخته شده است. دادگاه موضع بورلینگتون را که باعث ایجاد محدودیت چهار ساله در قوانین داخلی شد، رد کرد. به این ترتیب، دیوان تصمیم گرفت که برتری دعوی متقابل محیط زیستی بر اساس آسیب‌هایی است که پس از ژانویه ۲۰۰۷ کشف شده و به موقع بوده است (Levine, 2017, 41).

در پرونده کاستاریکا، دیوان بین‌المللی دادگستری، قواعد کلی حقوق بین‌الملل را تقویت کرد که دولت‌ها به منظور جلوگیری از آسیب‌های محیط زیستی فرامرزی، وظایف تشریفاتی و اساسی دارند. در

عوض، در مورد بورلینگتون، ایکسید به دلیل نقش حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار در قانون اساسی اکوادور، یک رژیم دارای مسئولیت سخت در برابر آسیب‌های محیط زیست اعمال کرد. این ساختار نه تنها قوانین بین‌المللی بلکه اصول قانون اساسی داخلی که می‌تواند به عنوان ابزاری برای حفاظت از محیط زیست در احکام بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد را مدنظر قرار داد.

۲- محدودیت‌های جبران خسارت و پرداخت غرامت

پس از تشخیص در هر یک از موارد مبنی بر این که رفتار یکی از طرفین به طور غیرقانونی خسارت به محیط زیست وارد کرده است، دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان ایکسید تصمیم می‌گیرد که چگونه باید خسارت را جبران کرد. در هر دو مورد، «پرداخت غرامت» اصلی‌ترین روش جبران خسارت بود. در این بخش چگونگی نتیجه‌گیری دیوان بین‌المللی دادگستری و ایکسید این گونه است که جبران خسارت روشی مناسب است و همچنین محدودیت‌های جبران خسارت به عنوان درمانی برای آسیب‌های محیط زیستی است.

این نظر استدلال می‌کند که نه دیوان بین‌المللی دادگستری و نه دیوان ایکسید، به درستی توضیح نداده‌اند که چرا جبران خسارت درمانی مناسب و تنها راه برای آسیب‌های محیط زیستی است. در طول اختلاف بین کاستاریکا و نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری عمیقاً بحث نکرده است که کدام نوع جبران خسارت مناسب‌ترین روش برای اصلاح آسیب‌های محیط زیستی است. هنگامی که دیوان تشخیص داد که کاستاریکا با عدم انجام ارزیابی اثرات محیط زیستی به تعهدات رویه‌ای خود عمل کرده است، نتیجه گرفت که اظهارنظر در این حکم مبنی بر نقض تعهد توسط کاستاریکا، «اقدامات مناسب برای رضایت از نیکاراگوئه» است و در صورت عدم وجود ضرر مادی، اعلامیه رسمی اشتباه موجب نقض تعهد می‌شود. اما دیوان نتوانست تأثیر این تصمیم را بر رفتار سایر کشورها در نظر بگیرد. با تعیین این که رضایت به عنوان یک راه‌حل مناسب برای عدم انجام ارزیابی اثرات محیط زیستی است، دیوان زمینه مطابقت با تعهدات رویه‌ای خود را ایجاد نکرد. هنگامی که کشورها آگاه می‌شوند که تنها راه‌حل در برابر نقض آن‌ها در انجام تعهدات رویه‌ای، اعلام اشتباه است و تعهد به جبران خسارت فقط در صورت آسیب‌های مادی وجود دارد، آن‌ها ممکن است از هزینه‌های انجام ارزیابی اثرات محیط زیستی بپرهیزند و خطر ایجاد خسارات محیط زیستی را در پی داشته باشند (Hardman Reis & Tarcisio, 2020, 89).

علاوه بر این، دیوان دستورالعمل‌هایی در مورد نحوه انجام ارزیابی اثرات محیط زیستی ارائه نکرد (Desierto, 2016, 89). اگرچه دولت‌ها برای تعریف الزامات ارزیابی اثرات محیط زیستی تحت سیستم داخلی،

از استقلال برخوردار هستند. اما از تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری مشخص نیست که چه الزاماتی برای ارزیابی لازم برای تحقق بخشیدن به قوانین بین‌المللی لازم است. دیوان نه تنها حداقل شرایط اصلی را تعیین نکرد، بلکه در مورد این که اگر کشورهای همسایه دارای استانداردهای داخلی متفاوتی باشند چه شرایطی حاکم می‌شود، حکم قطعی صادر ننمود. وقتی دیوان خسارات مادی را که نیکاراگوئه به محیط زیست کاستاریکا وارد کرد، تشخیص داد، نتیجه گرفت که جبران خسارت روشی مناسب بدون در نظر گرفتن گزینه‌های دیگر است. اگرچه جبران خسارت توسط طرفین درخواست شده بود، دیوان از فرصت بحث در مورد ویژگی‌های ترمیم و حفظ محیط زیست و این که آیا ترکیبی از روش‌های جایگزین بهتری می‌تواند با این ویژگی‌ها برخوردار باشد را از دست داد.

در تصمیم کاستاریکا آمده است که حفظ محیط زیست موضوع چندین توافقنامه بین‌المللی و قوانین بین‌المللی عرفی است. علاوه بر این، دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید می‌کند که منطقه آسیب دیده توسط کنوانسیون رامسر در مورد تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی محافظت می‌شود. با این وجود، دیوان با استفاده از اصول کلی در مورد مسئولیت دولت، روش جبران مناسب را تعیین کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری روشن نکرد که چه معیارهایی را در انتخاب جبران خسارت به عنوان تنها راه حل خسارت مادی در نظر گرفته است و چه معیارهایی برای تعیین این میزان استفاده شده است.

کاستاریکا «رویکرد خدمات اکوسیستم»^۹ و نیکاراگوئه یک «رویکرد هزینه جایگزینی»^{۱۰} برای جبران خسارت ارائه داد و دیوان ترکیبی از هر دو روش را به تصویب رساند. رویکرد خدمات اکوسیستم بر آن است که «ارزش یک محیط شامل کالاها و خدماتی است که ممکن است در بازار معامله شود.» در نتیجه، ارزیابی خسارت‌های محیط زیستی باید هم ارزش استفاده مستقیم و هم غیرمجاز از کالاها و خدمات محیط زیستی را در نظر بگیرد. ارزیابی خسارت بر اساس مقایسه بین اکوسیستم‌هایی است که شرایط مشابهی دارند. در مقابل نیکاراگوئه ادعا می‌کند که جبران خسارت ناشی از کاستاریکا فقط «جایگزین کردن سرویس‌های محیط زیستی است که قبل از بهبود منطقه آسیب دیده از بین رفته‌اند یا ممکن است از بین رفته باشند.» کاملاً مشخص نیست که چگونه دیوان این رویکردها را ترکیب کرده است. اما دیوان با استفاده از روش‌شناسی خاص خود، جبران خسارت ناشی

9- ecosystem services approach

10- replacement cost approach to compensation

از کاستاریکا را به بخشی از موارد درخواستی آن کشور تقلیل داده است.

قاضی «ترینیداد»^{۱۱} در رای جداگانه خود که از رویکرد محدودکننده دادگاه انتقاد می‌کند، استدلال می‌نماید که غرامت را نمی‌توان از نقض جدا کرد و نه تنها باید خسارت را اصلاح کرد بلکه انگیزه‌هایی را برای جلوگیری از آسیب‌های آینده فراهم نمود. او ادعا می‌کند که «غرامت از جمله جبران خسارت دارای یک ویژگی نمونه است و بازپرداخت‌های نمونه در رژیم‌های حفاظت (از انسان و محیط زیست) و در مواجهه با خسارت‌های محیط زیستی، مانند بخش مراقبت‌های ویژه، اهمیت پیدا می‌کنند.» قاضی ترینیداد همچنین استدلال می‌کند که هنگام تعیین راه‌حل مناسب باید کلیه وسایل جبران خسارت را در نظر گرفت. وی اذعان می‌دارد: «هیچ سلسله مراتبی بین آن‌ها وجود ندارد: آن‌ها میان یکدیگر در هم می‌آمیزند و شکل جبران خسارت که توسط دیوان بین‌المللی مربوطه سفارش داده می‌شود مناسب‌ترین راه برای اصلاح وضعیت موردنظر خواهد بود و این در هر صورت بستگی به شرایط دارد.» وی با استناد به موارد دیوان آمریکایی حقوق بشر، نتیجه می‌گیرد که «علاوه بر اعاده مجدد در بازگرداندن کل و جبران خسارت، باید انواع مختلفی از جبران خسارت، مانند رضایت، نوسازی و تضمین عدم تکرار را نیز در نظر داشته باشید.»

قاضی «بهندری»^{۱۲} در مورد نقش اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل محیط زیست و احتمال اعطای خسارت تنبیهی به عنوان معیار بازدارندگی از آسیب‌های آینده بحث کرده است. وی اظهار داشت که «آگاهی روزافزون وی در مورد لزوم حفاظت از محیط طبیعی نیز با تبلور رویکرد پیشگیرانه در یک قاعده عرفی از قوانین بین‌المللی نشان داده شده است.» قاضی بهاندری اعتراض نمی‌کند که جبران خسارت یک راه‌حل مناسب در این پرونده است و تصدیق می‌کند که قبلاً خسارت‌های تنبیهی به دادگاه اعطاء نشده است. با این وجود او ادعا می‌کند که؛ وضعیت فوق‌العاده، چاره‌ای را می‌طلبد که به همین ترتیب فوق‌العاده است. من بر این عقیده هستم که این پرونده وضعیت فوق‌العاده‌ای را ارائه می‌دهد و حقوق مسئولیت بین‌المللی باید تدوین شود تا شامل خسارات تنبیهی یا مواردی شود که ثابت شود یک کشور به محیط زیست آسیب جدی وارد کرده است.

در بخش نظرات مخالف، قاضی ویژه «دوگارد»^{۱۳} به روش دیوان برای ارزیابی خسارت اعتراض دارد.

11- Judge Can, cado Trindade

12- Judge Bhandari

13- Ad Hoc Judge Dugard's

وی ادعا می کند که دیوان باید هنگام تعیین میزان غرامت، ملاحظات عادلانه‌ای از قبیل حفاظت از محیط زیست، تغییرات آب و هوایی و رفتار سنگین نیکاراگوئه را در نظر بگیرد. او استدلال می کند با توجه به این که تعیین دقیق خسارت غیرممکن است، دیوان باید رفتار نیکاراگوئه را در نظر داشته باشد که: [من] با مسئولیت پذیری، تنوع زیستی تالاب را مختل و با آسیب رساندن به جداسازی کربن، به گرم شدن کره زمین کمک کردم. این موارد نقض جدی است. در هنگام تصمیم دیوان باید با قرار دادن مبلغ پولی بالاتر برای ارزیابی کالاها و خدمات محیط زیستی آسیب دیده توسط نیکاراگوئه و تأثیر اقدامات نیکاراگوئه بر روی یک تالاب تحت حمایت بین‌المللی، این جدیت را منعکس کند.

در پرونده بورلینگتون، دیوان نیز جبران خسارت را مدنظر قرار داد و بحث بر خصوصیات فنی در مورد میزان خسارت، نحوه ارزیابی آسیب و مسئولیت طرفین بود. از آن جا که قانون اکوادور قوانینی در قبال مسئولیت آسیب محیط زیست دارد، دیوان منبع مشخص قانونی برای تعیین محتوای تعهد طرفین داشت. این می تواند به جزئیات مربوط به موضوع توجه داشته باشد به ویژه این که سرمایه گذار در قبال خسارت ناشی از آن چه مسئولیتی دارد، آیا وظیفه دارد تا خسارت‌های قبلی را اصلاح کند؟ و چگونه می تواند منطقه آسیب دیده را اصلاح نماید؟ به عنوان مثال، پس از این نتیجه گیری که شرکت موظف به ترمیم آسیب‌های ناشی از دوره ایجاد خسارت است، دیوان تعیین کرد که آیا این جبران خسارت باید بر اساس قیمت‌های بین‌المللی یا داخلی باشد و فناوری کافی برای فرآیند بازیابی چیست؟ دیوان به بازدیدهای سایت، شهادت خبره و شواهد جمع آوری شده در هر منطقه مربوطه اعتماد داشت. این دو مثال نشان می دهد که غرامت اصلی ترین روش برای جبران خسارت‌های محیط زیستی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی است (Hagihara & Asahi, 2016, 56).

اگرچه تصمیم کاستاریکا برای اولین بار بود که دیوان بین‌المللی دادگستری جبران خسارت‌های محیط زیستی را جبران کرد، اما دیوان این نوع خسارت‌ها را مانند سایر خسارات مادی مورد تحلیل قرار داد. دیوان ایکسید در پرونده بورلینگتون نیز فقط جبران خسارت را در نظر گرفت. با این وجود، همانطور که آراء جداگانه دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می دهد، در مورد کفایت جبران خسارت به عنوان تنها راه حل در مورد آسیب‌های محیط زیستی و این که شخص متخلف تا چه اندازه مسئول خسارت ناشی از آن است، اختلاف نظر وجود دارد. بنا بر این با این نگاه می توان به توسعه حقوق بین الملل محیط زیست از منظر جبران خسارت‌های محیط زیستی امیدوارتر بود (Tayebi and all, 2016, 115).

نتیجه

از آن جا که نگرانی‌های محیط زیستی برای جامعه بین‌المللی به طور فزاینده‌ای رو به افزایش است، نهادهای بین‌المللی حل اختلاف مجبورند مسئولیت حفظ اکوسیستم‌های حساس و تنوع زیستی را در نظر بگیرند. این نظر در مقابل دو تصمیم اخیر در مورد جبران خسارت‌های محیط زیستی در حقوق بین‌الملل است. از آن جایی که این یک ضرورت در حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌آید، این نظر با هدف ارائه موضوعات مرتبط هنوز هم مورد بحث و در بین محدودیت‌های دو تصمیم مرتبط قرار دارد. منبع قانون اساسی در هر دو مورد متفاوت است. در حالی که در پرونده کاستاریکا، قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل یافت می‌شود، دیوان ایکسید در قضیه بولینگتون قانون اساسی و قانون میزان را برای تعیین میزان آسیب و رژیم مسئولیت به کار گرفته است. این اختلاف رویکرد نشان می‌دهد که تعهدات بین‌المللی محیط زیست ممکن است دارای منابع متعددی باشند و محتوای این تعهدات به صلاحیت مرجع حل اختلاف بستگی دارد.

دیوان بین‌الملل دادگستری مجدداً بر اساس حقوق معاهدات بین‌المللی، تعهدات رویه‌ای مانند الزام به انجام ارزیابی اثرات محیط زیستی و اطلاع‌رسانی و مشاوره در مورد کشورهای بالقوه آسیب دیده و تعهدات اساسی برای جلوگیری از آسیب‌های فرامرزی تأکید کرده است. در مورد بولینگتون، ماهیت محافظت از قانون داخلی در طول تصمیم دیوان ظنین انداز گردیده است. این نشان می‌دهد که اصول قانون اساسی کشورها ممکن است برای اطلاع از نتایج پرونده‌های حل اختلاف بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به جبران خسارت، هم دیوان بین‌المللی دادگستری و هم دیوان ایکسید جبران خسارت‌های محیط زیستی را محدود به پرداخت غرامت کردند. با این همه، تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری یک نقطه عطف است زیرا اولین بار است که دادگاه رای جبران خسارت به عنوان آسیب برای محیط زیست فرامرزی را صادر می‌کند. تصمیم ایکسید همچنین به دلیل بحث و بررسی عمیق در مورد میزان مسئولیت سرمایه گذار، شواهد مورد نیاز برای ارزیابی خسارت و روش مناسب برای بازیابی اکوسیستم آسیب دیده قابل توجه است.

این دو تصمیم قضائی و داوری، گرچه دارای کمبودها و نواقصی برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست است، ولی هر دو تصمیم یک قدم به جلو است زیرا آن‌ها تأیید می‌کنند که آسیب‌های محیط زیستی نیاز به جبران خسارت دارد. با این حال، حقوق بین‌الملل آینده، هنوز هم باید مسائل مهمی از قبیل

چگونگی ارزیابی صحیح میزان آسیب، چگونگی گنجاندن اصل احتیاطی و جلوگیری در مرحله جبران خسارت، توقف عملیات اجرایی و تعهد به عدم تکرار را در آرای قضایی و داوری را مدنظر قرار دهد و صرفاً به پرداخت غرامت به عنوان تنها گزینه برای جبران خسارت محیط زیستی تکیه نکند.

علیرغم این که رای مورد بررسی، اولین تصمیم در مورد جبران خسارت‌های محیط زیستی بود، دیوان از فرصتی برای کشف ترکیبی از مکانیسم‌های جبران خسارت در هنگام حل مسئله استفاده نکرد. در نظریات مستقل و جداگانه، قضات دیوان تأکید کردند که دیوان باید سایر روش‌های جبران خسارت، مانند اعاده به وضع سابق، رضایتمندی و تعهدات عدم تکرار را در نظر بگیرد. چالش‌های فراروی محاکم و دیوان‌های دادگستری و داوری بین‌المللی در پرونده‌های محیط زیستی پیچیده است. نگرانی‌ها و اختلاف نظرهای علمی گسترده‌ای در مورد پیامدهای فعالیت انسان در حفظ محیط زیست و اکوسیستم‌های حساس وجود دارد که این نیز به پیچیدگی‌های حقوقی افزوده است. هنگام داوری این اختلافات، دیوان‌های بین‌المللی و دادگاه‌های داوری نباید به آسیب‌های محیط زیستی به عنوان یک مسئله کم اثر توجه کنند. در عوض، آئین دادرسی آینده باید علوم مربوطه را در نظر بگیرد و چگونگی کمک به اکوسیستم‌ها را برای بازیابی و جلوگیری از آسیب‌های جبران ناپذیر به طبیعت را مدنظر قرار دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- Burlington Resources Inc. v. Republic of Ecuador, 2012, ICSID Case No. ARB/08/5, Decision on Liability, 509.
- Burlington Resources Inc. v. Republic of Ecuador, 2017, ICSID Case No. ARB/08/5, Decision on Counterclaims.
- Corte Constitucional Del Ecuador, 2021, El Pleno De La Corte Constitucional Del Ecuador En Ejercicio De Sus Atribuciones Constitucionales Y Legales, Expide La Siguiete, <http://esacc.corteconstitucional.gob.ec/storage/api/>
- V1/10_DWL_FL/E2nhenbldge6j3ryywIpdgunlcb1dwlkoicynwm5ntrmns05 mtcwltq 1nt ktotk3os00n2nkmdfhhmjg3yjugcgrmj30=
- Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2018, Costa Rica v. Nicar.) , Separate Opinion of Judge ad hoc Dugard, 47, <http://www.icj-cij.org/files/case-related/150/150-20180202- JUD-01-06-EN.pdf>.

- Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2018, (Costa Rica v. Nicar.) , Compensation owed by the Republic of Nicaragua to the Republic of Costa Rica, 41 (Feb. 2, 2018) , <http://www.icj-cij.org/files/case-related/150/150-20180202-JUD-01-00-EN.pdf>.
- Convention on the Settlement of Investment Disputes Between States and Nationals of Other States, 1966, art. 42 (1) , Oct. 14, 1966, 575 U. N. T. S. 159; Burlington v. Ecuador, Counterclaims, 74.
- Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area, 2015, (Costa Rica v. Nicar.) and Construction of a Road in Costa Rica Along the San Juan River, 2015 I. C. J. 665, 65-66, 145 (Dec. 16).
- Desierto, Diane, 2016, Evidence but not Empiricism? Environmental Impact Assessments at the International Court of Justice in Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road Along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica) , EJIL: <https://www.ejiltalk.org/evidence-but-not-empiricism-environmental-impact>.
- Gildemeister, Arno E, 2014, Burlington Resources, Inc v Republic of Ecuador: How Much is Too Much: When is Taxation Tantamount to Expropriation?, ICSID Review - Foreign Investment Law Journal, Volume 29, Issue 2.
- Hagihara, Kiyoko, Asahi, Chisato, 2016, Coping with Regional Vulnerability: Preventing and Mitigating Damages from Environmental Disasters, Springer Japan.
- Hardman Reis, Tarcisio, 2020, Compensation for Environmental Damages under International Law, Kluwer Law International.
- <http://www.icj-cij.org/files/case-related/150/150-20180202-pre-01-00-en.pdf>
- Khalatbari, Yalda, & Poorhashemi, Abbas, 2019, Environmental Damage: Challenges and opportunities in International Environmental Law. CIFILE Journal of International Law, 1 (1) , 22-28.
- Levine Matthew, 2017, Ecuador awarded USD41 million in counterclaim against U. S. oil and gas company Burlington Resources, <https://www.iisd.org/itn/en/2017/09/26/ecuador-awarded-41-million-counterclaim-against-u-s-oil-gas-company-burlington-resources-matthew-levine/>
- Tayebi, Sobhan, Moosavi, S. Fazlollah. , Poorhashemi, S. Abbas, 2016, Environmental diplomacy: a framework for growth of international interaction and cooperation for achievement of global peace. J. Pol. & L. , 9, 150.
- Pulp Mills on the River Uruguay (Arg. v. Uru.) , Judgment, 2010 I. C. J. 14, 101.